

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهيه و تنظيم: ميلاد عيوضي سر گروه عربي استان اردبيل



الدَّرْسُ السَّادِسُ

مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ مدرسه روستا



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (٢١ كلمة جديد)

شيشهٔ عطر	رُجَاغَةُ عِطْرٍ:	دریافت می کند	إِسْتَلَمَ:	دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)	فعل ماضی
روزه	صَوْمٌ:	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	بَسَمَلَةٌ:	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	فعل ماضی
عطر می زند	فعل ماضی	یاد می گیرد	تَعَلَّمَ:	یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ)	فعل ماضی
عطر زد (مضارع: يُعْطِرُ)	فعل ماضی	فعل ماضی	حَفَلَةُ زَوْاجٍ:	جشن عروسی	حفلة جشن
تغییر می دهد	غَيَّرَ:	«حَفَلَةُ مِیْلَادٍ: جشن تولد»	دَفَعَ:	دور کرد، دفع کرد، پرداخت	فعل ماضی
تغییر داد (مضارع: يُغَيِّرُ)	فعل ماضی	لامت کرد (مضارع: يَلْمُ)	مِثَالِي:	مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفَعُ	فعل ماضی
ملامت می کند	مِثَالِي:	شلوغ	مُزْدَحِمٌ:	مردود	ناجح
ملامت کرد (مضارع: يَلْمُ)	مِثَالِي:	مزدهم	مِلْفٌ:	بستری	ناجح
نمونه	مِثَالِي:	هدای	نَامٌ:	بو	فعل ماضی
نمونه	مِثَالِي:	می خوابد	نَشِیْطٌ:	مردود می شود	فعل ماضی
شلوغ	مُزْدَحِمٌ:	خوابید (مضارع: يَنَامُ)	وَهْيٌ:	مردود شد (مضارع: يَرْسُبُ)	فعل ماضی
مزدهم	مُزْدَحِمٌ:	مترادف: رَقَدَ)	وَهْيٌ:	رحمت	فعل ماضی
هدای	مُزْدَحِمٌ:	فَعَالٌ، بَانَشَاطٌ	وَهْيٌ:	رحمت	فعل ماضی
مزدهم	مُزْدَحِمٌ:	و عبارت است از	وَهْيٌ:	رحمت	فعل ماضی

تغییر زندگی
تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

إِبْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ وَ دَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً
سال تحصیلی نو آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. مدرسه کوچک و زیبا بود
وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتْ الْمَدْرَسَةَ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتْ الْمَدْرَسَةُ
خانم معلم وارد کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت

لِلْبَنِينَ: «اجلسوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجلسن عَلَى الْيَسَارِ.»
سمت راست بنشینید و به دخترها گفت: سمت چپ بنشینید

هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِيَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ «سَارَةَ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ;
او دانش آموز مردودی به نام ساره را دید. ساره در سال های گذشته نزدش مردود شده بود
فَحَزِنَتْ وَ دَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مَلَفِهَا لِإِطْلَاعِ عَلَي مَاضِيهَا.
پس ناراحت شد و برای دیدن پرونده هایش و برای اطلاع یافتن از گذشته اش رفت

فِي مَلَفِ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتَبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا: هِيَ
در پرونده سال اول: او دانش آموز خیلی خوبی است تکالیفش را به خوبی می نویسد
نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.
او فعال و باهوش است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.
در پرونده سال دوم: او دانش آموز بسیار خوبی است. ولی غمگین است مادرش در بیمارستان بستری است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الثَّلَاثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.
و در پرونده سال سوم: او در این سال مادرش را از دست داد. او خیلی غمگین است

وَ فِي مَلَفِ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَبَاهُ فِي الصَّفِّ.
و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را ترک کرد و دوست ندارد مدرسه را و در کلاس می خوابد
الْمَدْرَسَةَ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ عَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.
معلم خودش را ملامت کرد (سرزنش کرد) و روش تدریسش را تغییر داد

بَعْدَ مَدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمَدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةَ لِمَدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً
بعد از مدتی در جشن تولد معلم، دانش آموزان هدیه هایی برایش آوردند و سارا برای معلمش هدیه ای

فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً

در کاغذ روزنامه ای آورد. هدیه، شیشه عطر مادرش بود
عَطْرُ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعَطْرِ، فَضَحِكَ
که در آن کمی از عطر بود، پس دانش آموزان خندیدند
التَّلَامِيذُ:

فَقَالَتْ الْمَدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا»
پس معلم به پسرها گفت: نخندید

وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكُنَّ.»
و به دخترها گفت: نخندید

الْمَدْرَسَةُ عَطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعَطْرِ.
معلم از آن عطر به خودش عطر زد



جاءت سارة عند مدرستها و قالت:

سارة نزل معلمش آمد و گفت:

«رائحتك مثل رائحة أمي.»

بوی تو مانند بوی مادرم است

شجعت المدرسة سارة؛ فصارت تلميذة مثالية و بعد سنوات؛ استلمت المدرسة

خانم معلم ساره را تشویق کرد و او دانش آموزی نمونه شد. و پس از چند سال؛ دریافت کرد معلم

رسالة من سارة مكتوباً فيها:

نامه ای از ساره که در آن نوشته شده بود:

«أنت أفضل معلمة شاهدتها في حياتي. أنت غيرت مصيري. أنا الآن طيبة.»

تو بهترین معلمی هستی که در زندگی ام دیدم، تو پسرنوشتم را تغییر دادی. من حالا بزشک هستم.

و بعد مدة، استلمت المدرسة رسالة أخرى من الطيبة سارة؛ طلبت منها الحضور

و پس از مدتی، خانم معلم نامه ای دیگر را از خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از او حضور

في حفلة زواجها و الجلوس في مكان أم العروس.

در جشن مراسم ازدواجش و نشستن در جایگاه مادر عروس را خواسته بود

عندما حضرت مدرستها في حفلة زواجها؛ قالت لها سارة:

هنگامی که خانم معلم در جشن عروسیاش حاضر شد؛ ساره به او گفت

«شكراً جزياً يا سيدي؛ أنت غيرت حياتي.»

خیلی ممنونم ای خانم! تو زندگی ام را تغییر دادی

فقلت لها المدرسة:

پس خانم معلم به او گفت:

«لا؛ يا بنتي، أنت غيرت حياتي؛ فعرفت كيف أدرس.»

نه ای دخترم؛ تو زندگی ام را تغییر دادی؛ پس دانستم که چگونه درس بدهم

با توجه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کنید.

- | | |
|---|--|
| سمت چپ | سمت راست |
| ● <input type="radio"/> عَلَى الْيَسَارِ | ● <input type="radio"/> عَلَى الْيَمِينِ |
| برای مادر ساره | برای پدر ساره |
| ● <input type="radio"/> لِوَالِدَةِ سَارَةَ | ● <input type="radio"/> لِوَالِدِ سَارَةَ |
| در کلاس ششم | در کلاس چهارم |
| ● <input type="radio"/> فِي السَّادِسِ | ● <input type="radio"/> فِي الرَّابِعِ |
| شیشه عطر | روزنامه دیواری |
| ● <input type="radio"/> زُجَاجَةٌ عِطْرٍ | ● <input type="radio"/> صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ |
| نه | بله |
| ● <input type="radio"/> لا | ● <input type="radio"/> نَعَمْ |
1. أَيْنَ جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟
دختران کجا نشستند؟
 2. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟
شیشه عطر مال چه کسی بود؟
 3. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟
ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟
 4. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةَ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟
هدیه ساره به معلمش چه بود؟
 5. أَمَا كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفَلَةِ الْمِيلَادِ؟
هدیه ها به مناسبت جشن تولد بود؟

فِعْلُ النَّهْيِ (۲)

ای پسران انجام ندهید

ای دختران انجام ندهید

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ← (یا أَوْلَادُ، لا تَفْعَلُوا)، (یا بَنَاتُ، لا تَفْعَلْنَ)

(یا وَكِدَانِ، لا تَفْعَلَا)، (یا بِنْتَانِ، لا تَفْعَلَا)

ای دو پسر انجام ندهید

ای دو دختر انجام ندهید



یا زَمِيلَاتِي، رَجَاءُ، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.

یا زَمِلَائِي، رَجَاءُ، لا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا.

ای همکلاسیهایم لطفا پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءُ، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

یا زَمِيلَانِ، رَجَاءُ، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکلاسی لطفا پایین نیایید، بالا بروید

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.

به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی	فعل مضارع	شخص
انجام ندهید.	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	
	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	 

هر وقت در ابتدای فعل مضارع **لا** بیاید و آخرش ساکن و یا ن حذف نشده باشد «**لا**» **نهی** است ولی اگر آخر فعل مضارع ساکن شده و یا ن حذف شده باشد «**لا**» **نهی** می‌باشد

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل نهی

مضارع منفی

- لا تَجْلِسُ: نمی‌نشینی ← لا تَجْلِسُ: ننشین
- لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید ← لا تَذْهَبُوا: نروید
- لا تُرْجِعِينَ: بر نمی‌گردی ← لا تُرْجِعِي: بر نگرد
- لا تَتْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ← لا تَتْرُكْنَ: رها نکنید
- لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید ← لا تَنْزِلَا: پایین نیابید

ترجمه کنید.

در شب زیر درخت ن خوابید.

لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.

ای خواهرانم، به کسی عصبانی نشوید.

يَا أَخَوَاتِي، لَا تَعْصَبْنَ عَلَى أَحَدٍ.

ای دو پسر (دو فرزند)، با صدای بلند نخندید.

يَا وَلَدَانِ، لَا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند لا تَفْعَلَنَّ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:

(رَجَاءً؛ لا تَفْعَلَنَّ: لطفاً انجام ندهید.) / (لماذا لا تَفْعَلَنَّ شَيْئاً: چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)

۱ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- صوم (روزه)
- نَشِيط (فعال)
- مُزْدَجَم (شلوغ)
- راسِب (مردود)
- حَفَلَة (جشن)

- جلوگیری از خوردن غذا و آب برای فریضه دینی.
۱. الْأَمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِقَرِيبَةِ دِينِيَّةٍ. شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش میکند
 ۲. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا. صفتی برای مکان پر از اشخاص و اشیاء
 ۳. صَفَةً لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ. دانش آموزی که در امتحانات موفق نمی شود
 ۴. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْأَمْتِحَانَاتِ. گردهمایی جمعی از مردم برای شادی بزرگ
 ۵. اجْتِمَاعٌ جَمَعَ مِنَ النَّاسِ لِفَرَحٍ عَظِيمٍ.

۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

از این آب ننوش



لا تَذْهَبِي مِنْ هُنَا.

از اینجا نرو



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.
انجا ننشینید ، اینجا بنشینید



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.
عیب های دوستانت را آشکار نکنید

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.
فعل امر
 ۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ﷻ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منتظر گشایش باشید و از نعمت خدا ناامید نشوید ، زیرا محبوب ترین کارها نزد خداوند انتظار برای گشایش است

۲. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿الأعراف: ۴۷﴾ **نهی**

پروردگارا ما را با قوم ستم کار قرار مده.

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَمَ وَ حَوَاءَ : ﴿ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴾ ﴿الأعراف: ۱۹﴾ **ماضی نهی**

خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴. ﴿ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴾ یس: ۶۰ **نهی**

شیطان را عبادت نکنید قطعا او برای شما دشمنی آشکار است.

۵. ﴿ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ ... ﴾ الْمَزَّمَل: **مضارع امر**

و بر آنچه میگویند صبر کن.

۶. ﴿ وَ اشْكُرُوا لِعَمَّةِ اللَّهِ ... ﴾ التَّحَل: ۱۱۴ **امر**

نعمت خداوند را شکر کنید.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید!

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ
وَكَثْرَةِ حَجِّهِ
... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ
الْأَمَانَةِ.

به زیادی نمازشان و روزه شان و زیادی حج نگاه نکنید.

بلکه به راستگویی و امانت داری نگاه کنید.

۲. عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرُّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.^۲

شما باید صبر کنید. زیرا صبر در ایمان همچون سر در بدن است.

۳. انظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

به آن چه که گفت نگاه کن و به کسی که گفت نگاه نکن.

۴. لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵. مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

کسی که خشمش را دفع کرد (کند)، خداوند عذابش را از او دفع کرد (می کند).

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَالْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْحَدِيثُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- در اینجا «فَأَنَّ» یعنی «زیرا»

۳- الْجَسَدُ: بدن

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.

خرمندترین مردم کسی است که بینای عیب خود باشد و کور عیب دیگران **امام علی (ع)**

.....

.....

.....

.....



الْقُرْآنِيَّات



۱. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ السُّورَةَ بِمَعْنَى الْجِدَارِ
الَّذِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ؟

آیا می دانی که سوره به معنای دیوار است
که اطراف شهر است؟



۲. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ السُّورَةِ تَبْدَأُ بِالْبِسْمَلَةِ إِلَّا
سُورَةَ التَّوْبَةِ؛ وَ سُورَةَ النَّمْلِ فِيهَا بَسْمَلَتَانِ؟

آیا می دانی که همه سوره ها با بسم الله شروع می شود
به جز سوره توبه، و سوره نمل دو بسم الله دارد؟



۳. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّ سُورٍ بِاسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءٍ؟
وَهِيَ سُورَةُ يُونُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ
وَ مُحَمَّدَ وَ نُوحَ.

آیا می دانی که شش سوره به نام شش پیامبر است؟
این ها سوره های یونس، هود، یوسف، ابراهیم،
محمد و نوح است



۴. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ تَبْدَأُ بِفِعْلِ «قُلْ»؟
وَهِيَ الْجِنُّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْفَلَقُ
وَ النَّاسُ.

آیا می دانی که پنج سوره است که با فعل «قُلْ» شروع می شود؟
آنها جن و الکافرون و التوحید و الفلق و الناس هستند.

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

0 تا 100 عربی

کانال آموزش



arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی